

# الهیات مسیحی (درس ۱۹)

## انسان شناسی (۴)

### سقوط انسان (۲): منشاء و نتایج فوری سقوط انسان

#### مقدمه

در درس گذشته دلیل سقوط انسان و ماهیت گناه را بطور مفصل مورد بحث و بررسی قرار دادیم و از کتاب مقدس نتیجه گرفتیم که انسان بر اثر خطای آدم گرفتار گناه شد.

هرچند عقل انسان مجبور است وجود گناه را قبول کند، ولی نمیتواند منبع و علت وجود آن را در ذات انسان روشن سازد.

پس سوال این است که منشاء گناه و نتایج فوری آن برای والدین اولیه ما چه بوده است؟ مطالعه امروز ما که چهارمین قسمت از مبحث انسان شناسی است، اختصاص به پاسخ این سوال دارد که در دو بخش انجام خواهد شد.

بخش اول عنوانش هست – سرچشمه گناه در اقدام شخصی آدم و

عنوان بخش دوم – نتایج فوری گناه آدم نام داره

در بخش اول ابتدا به مطالعه سه نظریه غلط در رابطه با سرچشمه گناه خواهیم پرداخت:

اولین نظریه غلط "گناه ابدی است" نام داره

دومین نظریه غلط "سرچشمه گناه محدودیت جسمی و اخلاقی انسان است"

و عنوان سومین نظریه غلط "سرچشمه گناه هوسهای انسان است" نام داره.

پس از بررسی این نظریه های غلط، آموزه کتاب مقدس را در رابطه با سرچشمه گناه مطالعه میکنیم و بعد از آن به بخش دوم یعنی نتایج فوری گناه آدم و چهار تاثیر عمده آن خواهیم پرداخت که شامل این عناوین هستند::

(۱) تاثیر گناه بر رابطه آدم و حوا با خدا

(۲) تاثیر گناه بر روی ذات آدم و حوا

(۳) تاثیر گناه بر روی بدنهای آدم و حوا

و در نهایت

(۴) تاثیر گناه بر روی محیط زیست انسان رو مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

پس توجه شما رو به مطالعه بخش اول یعنی سرچشمه گناه در اقدام شخصی آدم جلب میکنم.

#### بخش اول – سرچشمه گناه در اقدام شخصی آدم

همانطور که در ابتدای درس اشاره کردم، گناه یک واقعیت است، اما سوالی که میخوایم به آن پاسخ بدیم اینه که گناه از کجا در میان بشر پدیدار شد؟

در این مورد نظرات مختلفی وجود دارد که میخوام همانطور که در رئوس مطالب عرض کردم ابتدا به سه نظریه غلط در رابطه با سرچشمه گناه اشاره ای بکنم و بعد به بررسی نظر کتاب مقدس در این رابطه بپردازم.

پس به مطالعه اولین نظریه غلط تحت عنوان "گناه ابدی است" میپردازیم.

## اولین نظریه غلط – گناه ابدی است

مکتب ثنویت معتقد است که دو اصل قائم به ذات و ابدی به نامهای نیکی و بدی وجود دارند. در عقاید ایرانی این دو اصل به صورتهای نور و ظلمت بیان شده اند. در این نظریه، ماده ذاتاً بد شمرده می شود. جالب که بدونیم، ناستیک ها و مانوی ها این عقیده را پذیرفتند. طبق این نظریه، گناه همیشه وجود داشته است. نیکی و بدی از ازل با هم در تضاد بوده اند و این جریان ادامه خواهد داشت. طبق این نظریه غلط دو عنصر نیک و بد یکدیگر را محدود می کنند ولی هیچ یک به طور قطع بر دیگری پیروز نمی شود. این عقیده به علت مشکل شناسایی منشاء شر یا بدی به وجود آمده که در آن سعی در حفظ وجود خدای قادر مطلق و قدوس دیده می شود.

ولی همانطور که می بینید، این نظریه غلط، خدا را یک وجود محدود و متکی به غیر می کند. همه ما میدانیم که بودن دو وجود نامحدود و هم طبقه امکان پذیر نیست. امکان نداده که خدا هم قادر مطلق و هم محدود به موجود دیگری باشد که نه خودش آفریده و نه می تواند آنرا کنترل کند.

به علاوه، این نظریه غلط، اعتقاد به گناه بعنوان یک شرارت اخلاقی را از بین میبرد. اگر گناه جزو لاینفک ذات ما باشد، آنوقت گناه، نمیتواند یک شرارت اخلاقی بحساب بیاید. چون مسئولیت انسان در قبال گناه از بین می رود. عبارتی باید گفت که اگر گناه از ابتدای خلقت انسان، ضروری بوده، دیگر انسان مسئول گناهکار بودن خود نخواهد بود. چون در اینصورت، گناه جزو ذات انسان به شمار می آید و در واقع دیگر گناه نیست. همچنین اگر گناه بعنوان خطای انسان پذیرفته نشود، قائل شدن مسئولیت اخلاقی برای انسان هم مفهومی نخواهد داشت. بنابراین نظریه ابدی بودن گناه در مکتب ثنویت مردود میباشد.

عنوان دومین نظریه غلط "سرچشمه گناه محدودیت جسمی و اخلاقی انسان است" نام دارد.

## دومین نظریه غلط – سرچشمه گناه محدودیت جسمی و اخلاقی انسان است

لایبنتز و اسپینوزا معتقدند که گناه بر اثر محدودیت جسمی و اخلاقی انسان بوجود آمده است. پیروان این نظریه غلط معتقدند که خدا بعنوان ذات مطلق و نامحدود، کاملاً نیکو است ولی سایر مخلوقات بدلیل محدود بودنشان دارای شرارت و گناه هستند.

بنابر نظر مکتب همه خدایی، خدا نمیتواند چیزی بیافریند که نامحدود باشد. این امر در محدودیت بدنی و وضعیت اخلاقی انسان دیده می شود.

پیروان این مکتب همچنین معتقدند که وجود شرارت برای وجود نیکی ضروری است، چون اگر بدی نباشد، قادر نخواهیم بود خوبی را درک کنیم. به همین دلیل وجود بدی برای تربیت انسان نه تنها لازم بلکه وسیله ای برای پیشرفت او نیز هست.

اما باید گفت که این نظریه غلط، به تفاوت موجود میان امور مادی و اخلاقی توجهی ندارد. بدهی است که انسان از نظر بدنی دارای نقص و محدودیت می باشد، اما این به آن معنی نیست که از لحاظ اخلاقی هم باید دارای نقص و محدودیت باشد. چرا؟ چون اگر انسان می خواست، میتواند کاملاً خدا را اطاعت کند. در نتیجه، علت وجود گناه او، محدود و ناقص بودن ذات اخلاقی اش نبود.

بعلاوه، از آنجائیکه این نظریه غلط مکتب همه خدایی که خدا را تنها ذات نامحدود می داند، نیکی و بدی را نیز جزو ذات خدا می شمارد.

ضمناً، آنچه برای نیکی لازم هست، شرارت نیست، بلکه برعکس، امکان وجود شرارت، لازمه نیکی است. همانطور که قبلاً هم اشاره شد، کتاب مقدس یک خدای شخصی را که خالق انسان است، معرفی میکند، و نیز انسان را به وجود آورنده گناه خود میداند. پس با این توصیفات نتیجه میگیریم که محدودیت جسمی و اخلاقی انسان، سرچشمه شرارت و گناه نیست. حالا به بررسی سومین نظریه غلط که "سرچشمه گناه هوسهای انسان است"، می پردازیم.

### **سومین نظریه غلط – سرچشمه گناه هوسهای انسان است**

عده ای از متفکرین معاصر، شرارت اخلاقی انسان را، میراث اجداد حیوانی انسان میدانند. الهیات دانان گذشته، گناه را نتیجه ارتباط روح با جسم می دانستند. آقای فردریک شلایرماخر الهیات دان آلمانی که در سالهای ۱۷۶۸ الی ۱۸۳۴ زندگی کرد معتقد بود که گناه از هوس های انسان سرچشمه می گیرد و به همین دلیل هوس ها را، شریر و بد میدانست. هر چند هوس ها، غالباً وسیله ای برای ارتکاب گناهند، اما به خودی خود سرچشمه گناه نیستند. بعلاوه این نظریه غلط، بخاطر مقابله با هوس بعنوان سرچشمه گناه، به انجام اعمالی نظیر ریاضت بدنی برای تضعیف قدرت هوس، روی می آورد. این نظریه غلط، بجای روشن ساختن منشاء گناه، وجود گناه را انکار میکند، چون اگر معتقد باشیم که گناه از ذات اصلی انسان سرچشمه می گیرد، آن را یک بدبختی و نه خطا، خواهیم دانست. در نهایت باید به این تعلیم کتاب مقدس توجه داشت که در ابتدای آفرینش، گناه در انسان وجود نداشت، بلکه بر اثر انتخاب آزادانه آدم به وجود آمد. در نتیجه هوسهای انسان نمی توانند سرچشمه گناه باشند. ببین حال به بررسی آموزه کتاب مقدس تحت عنوان: "سرچشمه گناه، اقدام و عمل آزادانه آدم بود" میپردازیم.

### **آموزه کتاب مقدس – سرچشمه گناه، عمل آزادانه آدم بود**

اگر منشاء گناه، ابدی، نتیجه محدودیت جسمی و اخلاقی انسان، و هوسها او نیست، پس منشاء آن از کجا است؟ وجود همگانی گناه، ما را مجبور می کند که برای یافتن حقیقت به سرچشمه نسل انسانی مراجعه کنیم. در این رابطه کتاب مقدس میفرماید:

رومیان ۵: ۱۲-۱۹ وقتی آدم گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه، همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت، چون انسانها همه گناه کردند. چه تفاوت بزرگی است میان آدم و مسیح موعود که می بایست ظهور کند! و چه فرق بزرگی است میان گناه آدم و بخشش خدا! آدم با گناه خود، باعث مرگ عده بسیاری شد؛ اما عیسی مسیح از روی لطف خدا، سبب بخشش گناهان بسیاری گشت. یک گناه آدم موجب شد که عده بسیاری محکوم به مرگ گردند، درحالی که مسیح گناهان بسیاری را به رایگان پاک می کند و باعث می شود خدا ایشان را "بی گناه" بشناسد. در نتیجه گناه یک انسان یعنی آدم، مرگ و نابودی همه چیز را در چنگال خود گرفت؛ اما تمام کسانی که هدیه خدا یعنی آمرزش و پاکی کامل از گناه را می پذیرند، از آن پس شریک حیات و سلطنت یک انسان دیگر یعنی عیسی مسیح می گردند. بلی، گناه آدم برای همه محکومیت به همراه آورد، ولی عمل شایسته و مقدسی که مسیح

انجام داد، همه را از محکومیت رهایی می دهد و به ایشان زندگی می بخشد. آدم باعث شد که عده زیادی گناهکار شوند، اما مسیح باعث شد که خدا بسیاری را "بی گناه" بحساب آورد، زیرا از خدا اطاعت کرد و بر روی صلیب کشته شد. (ترجمه تفسیری)

اول قرن‌تین ۲۱:۱۵ و ۲۲ همانطور که به علت گناه آدم، مرگ به این دنیا آمد، در اثر کار نجات بخش مسیح نیز زندگی پس از مرگ نصیب ما شد. همه ما می میریم، زیرا از نسل گناهکار آدم هستیم، چون هر جا گناه باشد، مرگ نیز وجود دارد. اما همه کسانی که از آن مسیح می باشند، پس از مرگ بار دیگر زنده خواهند شد. (ترجمه تفسیری)

همانطور که میدانید در این آیات واژه "یک انسان" اشاره به آدم است، و واژه "یک گناه" اشاره به خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد، دارد (پیدایش ۳:۱-۷، اول تیموتاوس ۲:۱۳ و ۱۴). برای اطمینان از واقعی بودن این واقعه که در پیدایش ۳:۱-۷ به آن اشاره شده، باید به این نکات توجه داشته باشیم. اول اینکه، این واقعه بعنوان یک واقعه حقیقی و تاریخی در کتاب مقدس نقل شده است. پولس رسول در این رابطه چنین میگوید:

دوم قرن‌تین ۳:۱۱ اما اکنون می‌ترسم، همان‌طور که حوا به وسیله زیرکی مار فریب خورد، افکار شما نیز از ارادت و اخلاصی که به مسیح دارید، منحرف شود. (ترجمه مؤده)

واژه "مار" در این آیات، نه کنایه ای از شیطان و نه شیطان به شکل مار است، بلکه مار وسیله ای در دست شیطان بود. این امر از توضیحی که در پیدایش ۳:۱ در مورد این حیوان خزنده وجود دارد و از لعنتی که در پیدایش ۳:۱۴ در مورد آن اعلام گردید معلوم می شود.

علاوه بر این، باغ، رودخانه ها، درختان و حیوانات کاملاً واقعی هستند. بعضی این احتمال رو میدهند که درخت معرفت نیک و بد در خود خاصیت اسرارآمیزی داشت، که می توانست هر دو نتیجه ای را که در نام آن وجود دارد، ایجاد کند. اما از آنجائیکه آدم بعد از خوردن آن میوه، توانایی تشخیص نیک و بد را پیدا نکرد، میتوان نتیجه گرفت که دستور منع خوردن میوه درخت معرفت نیک و بد، آزمایشی از اطاعت و وفاداری آدم نسبت به خدا بود. زیرا آدم ذاتاً می دانست که نافرمانی از دستور خدا، بد، و اطاعت از آن خوب است. اما، با وجود این، با اراده خود از خدا اطاعت نکرد.

از اشعیا ۷:۱۵ میفهمیم که عدم شناخت نیک و بد، نشانه کمبود رشد یا عدم بلوغ است.

اشعیا ۷:۱۵ تا وقتی که به سن بلوغ برسد و فرق نیکی و بدی را بداند غذای او شیر و عسل خواهد بود. (ترجمه مؤده)

همچنین از دوم سموئیل ۱۷:۱۴ میفهمیم که شناخت نیک و بد، نشانه رشد اخلاقی است.

دوم سموئیل ۱۷:۱۴ با خود گفتم که قول پادشاه ما را آسوده خاطر خواهد کرد. شما مثل فرشته خدا هستید و خوب را از بد تشخیص می دهید. خداوند، خدایتان همراه شما باشد. (ترجمه تفسیری)

پس ميتوان نتيجه گرفت كه درخت معرفت نيك و بد و ميوه آن ذاتاً خوب بود، چون خدا آن را خلق كرده بود. آن درخت باعث مرگ آدم و حوا نشد، بلكه عدم اطاعت از دستور خدا نتيجه مرگ آنان گرديد. منع از خوردن ميوه ممنونه، نمايانگر اين نيست كه خدا طالب سقوط انسان بود. بعبارت ديگر اين واقعه امتحان ساده اي از وفاداري انسان نسبت به خدا بود. پس نبايد خدا را به خاطر خطاي آدم مقصر بدانيم. اما وسوسه شيطان در اين واقعه را ميتوان به اين صورت خلاصه كرد: اين وسوسه شيطان:

(۱) انسان را مايل ساخت تا آنچه را كه خدا منع فرموده بود طلب نمايد.  
(۲) انسان را مايل ساخت تا بخواهد آنچه را كه خدا مكشوف نكرده بود بداند.  
(۳) انسان را مايل ساخت تا بخواهد مثل خدا باشد.  
به همين دليل شيطان براي اجراي نقشه خود، ابتدا در فكر حوا در مورد نيكوبي خدا شك و ترديد ايجاد كرد و از او پرسيد:

پيدايش ۱:۳ آيا خدا حقيقتاً گفته است كه از همه درختان باغ نخوريد؟

وقتي زن جواب داد كه خدا اجازه داده است كه از تمام درختان باغ بخورند، مگر درخت معرفت نيك و بد، شيطان صحيح بودن فرمايش خدا، در مورد اينكه عدم اطاعت موجب مرگ ميشود را، رد كرد و گفت:

پيدايش ۴:۳-۵ هر آينه نخواهيد مرد بلكه خدا مي داند در روزي كه از آن بخوريد چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نيك و بد خواهيد بود.

حوا هر دو مورد را از شيطان پذيرفت و با سرعت، ساير قدم هايي را كه براي ارتكاب گناه لازم بود برداشت. پس در ادامه واقعه چنين مي خوانيم كه:

پيدايش ۶:۳ چون زنديد كه آن درخت براي خوراك نيكوست و به نظر خوش نما و درختي دلپذير، دانش افزاست از ميوه اش گرفته بخورد و به شوهر خود نيز داد و او خورد.

بعبارت ديگر حوا به وسيله، شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگاني سقوط كرد. اول يوحنا ۱۶:۲ در اين رابطه چنين ميگويد:

اول يوحنا ۱۶:۲ دنيا را و آنچه در دنياست دوست مداريد زيرا اگر كسي دنيا را دوست دارد، محبت پدر در وي نيست. زيرا كه آنچه در دنياست، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگاني از پدر نيست بلكه از جهان است.

نتيجه اينكه زن با فریب خوردن و مرد بواسطه عواطف سقوط کردند.

پيدايش ۱۳:۳ و ۱۷ آنگاه خداوند از زن پرسيد: «اين چه كاري بود كه كردي؟» زن گفت: «مار مرا فریب داد.» ... سپس خداوند به آدم فرمود: «چون گفته زنت را پذيرفتي و از ميوه آن درختي خوردی كه به تو گفته بودم

از آن نخوری، زمین زیر لعنت قرار خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت با رنج و زحمت از آن کسب معاش خواهی کرد. (ترجمه مؤده)

اول تیموتاوس ۱۴:۲ و آدم نبود که فریب خورد بلکه زن فریب خورد و قانون الهی را شکست. (ترجمه مؤده)

باید توجه داشته باشیم که گناه نه بوسیله حوا بلکه به وسیله آدم به نسلهای بعدی رسید. کلام خدا میفرماید:

رومیان ۵:۱۲ و ۱۴ گناه به وسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه، مرگ را به همراه آورد. در نتیجه، چون همه گناه کردند مرگ همه را دربر گرفت. (ترجمه مؤده)

اول قرنتیان ۲۲:۱۵ و همان طور که همه آدمیان به خاطر همبستگی با آدم می‌میرند، تمام کسانی که با مسیح متحدند، زنده خواهند شد. (ترجمه مؤده)

مسیح، یعنی آدم دوم، با تجربه مشابهی روبرو شد ولی بر آن غلبه یافت.

متی ۳:۴-۱۰ در آن وقت وسوسه کننده به او نزدیک شده گفت: «اگر تو پسر خدا هستی بگو این سنگها نان بشود.» عیسی در جواب گفت: «کتاب مقدس می‌فرماید: "زندگی انسان فقط بسته به نان نیست، بلکه به هر کلمه‌ای که خدا می‌فرماید."» آنگاه ابلیس او را به شهر مقدس برده بر روی کنگره معبد بزرگ قرار داد و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خود را از اینجا به پایین بینداز زیرا کتاب مقدس می‌فرماید: "او به فرشتگان خود فرمان خواهد داد و آنان تو را با دستهای خود خواهند گرفت مبدا پایت به سنگی بخورد."» عیسی جواب داد: «کتاب مقدس همچنین می‌فرماید: "خداوند، خدای خود را امتحان نکن."» بار دیگر ابلیس او را بر بالای کوه بسیار بلندی برد و تمامی ممالک جهان و شکوه و جلال آنها را به او نشان داد و گفت: «اگر نزد من سجده کنی و مرا بپرستی، همه اینها را به تو خواهم داد.» عیسی به او فرمود: «دور شو ای شیطان، کتاب مقدس می‌فرماید: "باید خداوند، خدای خود را پرستی و فقط او را خدمت نمایی."»

حال با علم به این حقایق، اجازه بدید که اشاره ای به ترتیب مراحل که به گناه اولیه منتهی شدند، داشته باشیم.

### **ترتیب مراحل که به گناه اولیه منتهی شد تقریباً چنین است:**

- ۱- حوا ابتدا در مورد نیکویی خدا شک کرد
  - ۲- بعد دروغ شیطان را باور کرد.
  - ۳- سپس، به اشتباه جسمانی خود تسلیم شد
  - ۴- بعد، از تمایل غلطش به زیبایی، پیروی کرد
  - ۵- در نهایت به معرفتی که به او تعلق نداشت، طمع ورزید.
- در رابطه با آدم هم باید عرض کنم، که هر چند از هشدار خدا کاملاً مطلع بود، اما چنین به نظر میرسد که، بخاطر علاقه ای که به حوا داشت، مرتکب گناه شد.
- ولی عزیزان توجه داشته باشید که این سرچشمه اصلی گناه نبود.

گناه اولیه عبارت از تمایل قلبی و ترجیح دادن تمایلات شخصی به خواست و تمایل خدا یا عبارتی، مقدم داشتن و مهم دانستن خود بجای خدا، بود. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که ناطاعتی آدم و حوا در خوردن میوه ممنوعه، در واقع گناهی را که قبلاً در قلبشان شکل گرفته بود، آشکار کرد. در اینجا بجاست که به بخشی از آموزه های مسیح در رابطه با گناهی که ریشه در قلب انسان دارد اشاره ای داشته باشیم: عیسی مسیح در متی ۵: ۲۱-۲۲ و ۲۷-۲۸ فرمود:

متی ۵: ۲۱-۲۲ و ۲۷-۲۸ گفته شده است که هر کس مرتکب قتل شود، محکوم به مرگ می باشد. اما من می گویم که حتی اگر نسبت به برادر خود خشمگین شوی و بر او فریاد بزنی ، باید تو را محاکمه کرد؛ و اگر برادر خود را «بله» خطاب کنی ، باید تو را به دادگاه برد؛ و اگر به دوستت ناسزا گویی ، سزایت آتش جهنم می باشد. ... گفته شده است که زنا مکن. ولی من می گویم که اگر حتی با نظر شهوت آلود به زنی نگاه کنی ، همان لحظه در دل خود با او زنا کرده ای.

خوب با این بیانات زیبای عیسی مسیح، مقوله سرچشمه گناه را پشت سر میگذاریم و به مطالعه بخش دوم که عنوانش هست "نتایج فوری گناه آدم" میپردازیم.

## بخش دوم – نتایج فوری گناه آدم

گناه والدین اولیه ما دارای نتایج فوری، گسترده و ترسناکی بود. البته همه ما خیلی مایل هستیم بدانیم که اگر آنها مرتکب گناه نمی شدند شرایط چگونه میبود. ولی کلام خدا در این مورد سکوت کرده، و انسان باید در مواردی که خدا مکاشفه ای ارائه نکرده، از حدس و گمان خودداری کند.

اما، به یقین میتوان اقرار کرد که نتایج اطاعت از خدا درست برعکس نتایج عدم اطاعت از اوست. پس خوبه که نتایج فوری گناه آدم و حوا رو بررسی کنیم.

برای این کار من تاثیر یا نتایج فوری گناه آدم و حوا را به چهار بخش تقسیم بندی کردم که از این قرارند:

(۱) تاثیر گناه آدم و حوا بر روی رابطه آنها با خدا

(۲) تاثیر گناه آدم و حوا بر روی ذات آنها

(۳) تاثیر گناه آدم و حوا بر روی جسم آنها

(۴) تاثیر گناه آدم و حوا بر روی محیط زیست آنها

پس به بررسی اولین مورد یعنی تاثیر گناه آدم و حوا بر روی رابطه آنها با خدا می پردازیم.

### (۱) تاثیر گناه آدم و حوا بر روی رابطه آنها با خدا (pdf۹۷)

خدا قبل از سقوط آدم و حوا، با آنها رابطه صمیمانه ای داشت، اما بعد از آن، این رابطه شکسته شد.



والدین اولیه ما پس از خوردن میوه ممنوعه، به نارضایتی خدا از عدم اطاعتشان نسبت به او پی بردند. والدین اولیه ما از دستور صریح خدا مبنی بر نخوردن از درخت معرفت نیک و بد سرپیچی کرده، خطاکار شدند. والدین اولیه ما فهمیدند که جایگاه خاص خود را در حضور خدا از دست داده اند و در مقابل او محکوم هستند. به همین دلیل بجای تقاضای بخشش و برقراری رابطه با خدا، سعی کردند از او فرار کنند. از آنجائیکه عذاب وجدان آنها را آسوده نمی گذاشت سعی کردند تقصیر را به گردن دیگری بیندازند. بعنوان مثال در پیدایش ۱۲:۳ آدم گفت که، زنی که خدا به او داده بود او را به گناه کشانیده است. و در آیه بعدی یعنی آیه ۱۳، حوا هم به نوبه خود، مار را مقصر دانست. اگر چه هر دو خطاکار بودند، ولی با مقصر شناختن دیگری، سعی کردند که از قبول تقصیرشان شانه خالی کنند. به همین دلیل، گسستگی رابطه صمیمانه آنها با خدا، کماکان باقی ماند، و نتیجتاً در پیدایش ۲۳:۳ میخوانیم که خدا آنها را از باغ عدن بیرون راند. دومین تاثیر دیگر گناه آدم و حوا بر روی ذات آنها بود.

## ۲) تاثیر گناه آدم و حوا بر روی ذات آنها

وقتی خدا آدم و حوا را خلق کرد، آنها نه فقط بی گناه بلکه مقدس بودند. به این مفهوم که ذات گناه آلود نداشتند. در صورتیکه پس از ناطاعتی از خدا، بدلیل احساس شرم، پستی و فساد، خود را از حضور خدا مخفی کردند. پس از سقوطشان در گناه، بدلیل وضعیت نامناسبشان، احساس برهنگی میکردند و دیگر قادر نبودند که در حضور خدا حاضر شوند. بنابراین از برگ های درخت انجیر برای خودشان پوششی درست کردند (پیدایش ۷:۳). آنها در چنان وضعیت شرم آوری بودند که نه فقط از حضور خدا، بلکه حتی از یکدیگر هم خجالت میکشیدند. خدا درمورد درخت ممنوعه به آدم فرموده بود:

پیدایش ۱۷:۲ روزی که از آن خوری، هر آینه خواهی مرد.

مردن در این آیه علاوه بر مرگ جسمانی، به مفهوم جدایی از روح خدا و فاسد شدن ذات آدم نیز می باشد. از آنجائیکه ذات آدم فاسد شد، او دیگر قادر به جلب رضایت خدا نبود. کلام خدا در رومیان ۱۲:۵ میفرماید:

رومیان ۱۲:۵ بدین طریق به وساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید.

وارد شدن گناه به جهان توسط آدم به این معنی است که، با پیدایش گناه در نسل بشر، ذات او فاسد گردیده و شروع به گناه کردن نمودند، در نتیجه انسان در حضور خدا گناهکار و مقصر شناخته شد. رومیان ۱۰:۳ و ۲۳ میفرماید:

رومیان ۱۰:۳ و ۲۳ چنانکه مکتوب است که کسی عادل نیست، یکی هم نی. ... زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا قاصر می باشند،



سومين تاثير گناه آدم و حوا بر روي جسم آنها بود.

### (۳) تاثير گناه آدم و حوا بر روي بدن هاي آنها

وقتي خدا در پيدايش ۱۷:۲ فرمود که انسان بعلت عدم اطاعت حتماً خواهد مرد، اين مردن شامل مرگ جسماني آنها هم شد.

به همين دليل است که خدا به آدم پس از ارتکاب به گناه در پيدايش ۱۹:۳ فرمود:

پيدايش ۱۹:۳ تو خاک هستي و به خاک خواهي برگشت.

پولس رسول نيز در اين رابطه در اول قرن تيان ۲۲:۱۵ وقتي ميگويد "چنانکه در آدم همه مي ميرند" منظورش اشاره به مرگ بدني است.

موضوع مورد بحث پولس در اين باب رستاخيز جسم است که آن را در مقابل مرگ جسماني قرار مي دهد.

اما وقتي در روميان ۱۲:۵ ميگويد:

به وساطت يك آدم، گناه داخل جهان گرديد و به گناه، موت، مقصودش مرگ كامل يعني مرگ جسماني، روحاني و ابدي است.

بعلاوه از آنجايكه رستاخيز جسماني بخشي از نجات و رستگاري الهی است (روميان ۸:۲۳)، مي توانيم نتيجه بگيريم که مرگ جسماني نتيجه گناه آدم مي باشد.

معهدا، كساني که وجود گناه اوليه را قبول ندارند، معتقدند که گناه يك فاجعه طبيعي است که بر اثر شرايط وجودي انسان اتفاق مي افتد، و همانطوري که مرگ حيوانات ثابت نمي کند که آنها گناهکارند مرگ انسان هم گناهکار بودن او را نشان نمي دهد.

در جواب کافي است اشاره کنيم که انسان، حيوان نيست و کتاب مقدس تعليم مي دهد که مرگ جسماني قسمتي از مجازات گناه است. به چند آيه در اين رابطه اشاره ميکنم که لطفاً به آنها توجه کنيد:

پيدايش ۱۹:۳ تا آخر عمر به عرق پيشاني ات نان خواهي خورد و سرانجام به همان خاكي باز خواهي گشت که از آن گرفته شدی؛ زيرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم برخواهي گشت.» (ترجمه تفسيری)

ايوب ۱۴-۴ انسان که از زن زاييده مي شود، عمرش کوتاه و سراسر زحمت است. همچون گل مي شکفتد و بزودي پژمرده مي شود و مانند سايه اي زودگذر و ناپايدار است. پس اي خدا، چرا بر چنين موجودي اين قدر سخت مي گيري و از او بازخواست مي کنی؟ هيچ کس نمي تواند از يك چيز ناپاک چيزي پاک به دست آورد. (ترجمه مؤده)

اول قرن تيان ۲۱-۲۲ و ۵۵-۵۷ اما در حقيقت مسيح پس از مرگ زنده شد و اولين کسی است که از ميان مردگان برخاسته است. زيرا چنانکه مرگ به وسيله يك انسان آمد، همان طور قيامت از مردگان نيز به وسيله يك انسان ديگر فرا رسيد. ... «اي مرگ، پيروزي تو كجاست و اي موت نيش تو كجا؟» نيش مرگ از گناه زهرا گين مي شود و گناه از شريعت قدرت مي گيرد. (ترجمه مؤده)

دوم قرن‌تیاں ۵: ۱-۲ و ۴ زیرا ما می‌دانیم هرگاه این خیمه‌ای که در آن به سر می‌بریم، یعنی این بدن زمینی ما فرو ریزد، خدا عمارتی جاودانی که به دست انسان ساخته نشده، در آسمان برای ما فراهم می‌کند. ما در اینجا برای پناه بردن به خانهٔ آسمانی خود دائماً در آه و ناله هستیم. ... تا زمانی که در این خیمه به سر می‌بریم در زیر بارهای سنگین ناله و فغان می‌کنیم، اما نه تنها نمی‌خواهیم خیمهٔ فعلی خود را از دست بدهیم، بلکه مایلیم پوششی آسمانی بر آن بیافزاییم تا سرانجام زندگی فانی ما در حیات غرق شود. (ترجمهٔ مژده)

دوم تیموتاوس ۱: ۱۰ در حال حاضر این فیض به وسیلهٔ ظهور نجات‌دهندهٔ ما مسیح عیسی آشکار شده است. او موت را از میان برداشت و حیاتی فناپذیر به وسیلهٔ انجیل برای همه آشکار ساخته است. (ترجمهٔ مژده)

حالا اجازه بدید به چند سوال که معمولاً بعضی در این رابطه می‌پرسن اشاره کنم و تک تک به آنها پاسخ بدم. بعضی می‌پرسن که اگر انسان گناه نمی‌کرد چه می‌شد؟ بی شک به حیات خود در قدوسیت ادامه می‌داد، ذات مقدس او باعث ایجاد اخلاق مقدس شده و مورد تائید خدا قرار می‌گرفت.

سوال بعدی اینکه، جسم انسان چگونه می‌بود؟ کتاب مقدس در این مورد چیزی نمی‌گوید ولی چنین به نظر می‌رسد که بدن آدم و حوا به بدنی روحانی نظیر آنچه که بدن ما در زمان برگشت مسیح خواهد بود، تبدیل می‌شد. در پیدایش ۲: ۷ در رابطه با خلقت آدم چنین می‌خوانیم:

پیدایش ۲: ۷ خداوند مقداری خاک از زمین برداشت و از آن آدم را ساخت و در بینی او روح حیات دمید و او یک موجود زنده گردید.

کلام خدا در رابطه با متبدل شدن بدنهای ما در هنگام رستاخیز چنین می‌گوید:

اول قرن‌تیاں ۱۵: ۴۴-۴۹ بدن جسمانی به خاک سپرده می‌شود و بدن روحانی برمی‌خیزد. همچنان که بدن جسمانی هست، بدن روحانی نیز وجود دارد. در این خصوص کتاب مقدس می‌فرماید: «اولین انسان یعنی آدم، نفس زنده گشت.» اما آدم آخر روح حیات بخش گردید. آنچه روحانی است، اول نمی‌آید. اول جسمانی و بعد از آن روحانی می‌آید. آدم اول از خاک زمین ساخته شد و آدم دوم از آسمان آمد. خاکیان به او که از خاک ساخته شد شبیه‌اند و آسمانی‌ها هم به او که از آسمان آمد شباهت دارند. همان گونه که شکل خاکی به خود گرفتیم، شکل آسمانی نیز به خود خواهیم گرفت.

بیماری‌های جسمانی هم بر اثر گناه بوجود آمدند. پیدایش ۲: ۱۷ را میتوان اینطور ترجمه کرد: با مردن خواهی مرد. از همان لحظه ای که انسان از درخت ممنوعه خورد، مخلوقی مردنی یا میرا شد. بعبارتی فرسودگی جسم به مرور زمان از همان موقع آغاز شد. درد و رنج انسانها، نیز از سقوط آدم و حوا در گناه شروع شد. علت اینکه انسان در همان لحظه ارتکاب به گناه نمرد، این بود که خدا از راه لطف، نقشه ای برای نجات او در نظر داشت.

از آنجائیکه بین فکر و جسم رابطه نزدیکی وجود دارد، میتوانیم نتیجه بگیریم که نیروهای فکری نیز، مانند نیروهای جسمانی، رو به ضعف و زوال هستند.

البته، منظور این نیست که هر بیماری جسمانی، نتیجه مستقیم یک گناه شخصی است (ایوب ۱ و ۲، یوحنا ۳:۹، دوم قرنتیان ۷:۱۲)، ولی در کل، بیماریهای جسمی و فکری نتیجه گناه آدم میباشد.

این عامل مجازات گناه را، می توان دلیلی بر بطلان فرضیه تکامل دانست. انسان در اثر گذشت زمان از نظر بدنی و فکری قوی تر نشده بلکه از مرحله کمال اولیه به مرحله ضعف و نقص کنونی سقوط کرده است.

چهارمین تاثیر گناه آدم و حوا بر روی محیط زیست آنها است.

#### **(۴) تاثیر گناه آدم و حوا بر روی محیط (pdf۹۸)**

در پیدایش ۱۴:۳ میخوانیم که مار از جمیع بهایم و همه حیوانات صحرا ملعون تر گردید. روشن است که دنیای حیوانات نیز بر اثر گناه آدم دچار مشکلات شد.

اما در آیاتی چون اشعیا ۶:۹-۱۱ و ۲۵:۶۵ و هوشع ۱۸:۲ میخوانیم که در آینده این لعنت برداشته خواهد شد، و حیوانات وحشی با حیوانات اهلی زندگی خواهند کرد.

اگر بخاطر داشته باشید، قبلاً هم اشاره کردیم: در پیدایش ۱۷:۳-۱۹ خدا فرمود:

پیدایش ۱۷:۳-۱۹ زمین ملعون شد، و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد، و به عرق پیشانیات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت.

حتی طبیعت بی جان هم بر اثر لعنت گناه انسان در قید فنا گرفتار شد. به همین دلیل است که کتاب مقدس در رومیان ۲۱:۸-۲۲ میفرماید:

رومیان ۲۱:۸-۲۲ اما این امید هست که روزی جهان از قید فنا رها شود و در آزادی پرشکوهی که متعلق به فرزندان خداست، شریک گردد. چون می دانیم که حتی حیوانات و گیاهان نیز که گرفتار بیماری و مرگند، همچون زنی که در حال زاییدن است، درد می کشند و در انتظار این واقعه بزرگ، روزشماری می کنند.

آدم و حوا، ابتدا در بهترین و زیباترین محیط زندگی میکردند، ولی پس از گناه از باغ عدن اخراج و به جهانی که سقوط کرده بودند وارد شدند. جهانی ناقص، متخاصم که محیط آن بر اثر گناه به طور کامل تغییر کرده بود.

اما کتاب مقدس برای ما مژده ای دارد که در آیاتی چون اشعیا ۱:۳۵-۲ و ۶-۸ میفرماید که طبیعت در هنگام بازگشت مسیح کاملاً به زیبایی اولیه خود تغییر خواهد کرد.

اشعیا ۱:۳۵-۲ و ۶-۸ بیابان به وجد خواهد آمد، صحرا پر از گل خواهد شد. و سرود و شادی همه جا را پر خواهد ساخت. بیابانها مانند کوه‌های لبنان سبز و خرم خواهند شد و صحراها همچون چراگاه‌های کرمل و چمنزارهای شارون حاصلخیز خواهند گردید. خداوند شکوه و زیبایی خود را نمایان خواهد ساخت و همه آن را خواهند دید. ... در بیابان، چشمه‌ها و در صحرا، نهرها جاری خواهند شد. شوره‌زار به برکه، و زمین خشک و

تشنه به چشمه تبدیل خواهند گردید. آنجا که شغالها در آن می خوابیدند از علف و بوریا و نی پر خواهد شد. در زمین ویران راهی باز خواهد شد و آن را «شاهراه مقدس» خواهند نامید.

درس آینده ما تحت عنوان "سرایت گناه و نتایج آن برای نسل های بعدی" که پنجمین درس از مبحث انسان شناسی و سومین بخش از موضوع سقوط انسان است، رو با هم مطالعه خواهیم کرد.

